

ادامه از صفحه ۲

خاوری همچنان در لیست اینترنل

استرداد ممکن است قبل از صدور حکم محکومیت و به منظور تعقیب و محاکمه متهم باشد، یا بعد از صدور حکم محکومیت و جهت اجرای آن به عمل آید. اندیشه استرداد مجرمان یک امر قدیمی است؛ زیرا استرداد هم به نفع دولت محل وقوع جرم است و هم به نفع کشور محل سکونت متهم یا محکوم علیه. برای دولت تقاضاکننده این نفع را دارد که مجرم را محاکمه و مجازات می‌کند و به این وسیله نظم عمومی را که به واسطه وقوع جرم و بدون مجازات ماندن متهم مختل شده، تأمین می‌کند و به علاوه دیگران درمی‌یابند که پناه‌بردن به کشور خارجی موجهی برای فرار از کیفر نخواهد بود. برای کشور مستردکننده هم این مزیت را دارد که کشور آنان، پناهگاه متهمان و مجرمان فراری واقع نمی‌شود. سابقه فرار برخی مجرمان از کشور محل وقوع جرم به کشوری دیگر برای گریز از مجازات و انتقام یا پرداخت‌نکردن خسارت به زیان‌دیده، به درازای تاریخ است. شاید به همین منظور بود که برای احقاق حق و اجرای عدالت و تشفی خاطر بازماندگان و زیان‌دیدگان از جرم و با احساس چنین ضرورتی، سازمان بین‌المللی پلیس جهانی به وجود آمد. این سازمان تابع هیچ‌یک از سازمان‌های بین‌المللی دیگر همانند سازمان ملل متحد نیست و شخصیت حقوقی مستقلی دارد و چون بر اثر توافق یا قرارداد و تعهد دولت‌ها به وجود نیامده، از نظر حقوقی یک سازمان بین دولت‌ها تلقی نمی‌شود. بلکه چون از سوی مسئولان پلیس کشورها تشکیل شده و به صورت جهانی درآمده، از نظر حقوقی یک سازمان «بین‌المللی» است و این امر عامل مؤثری برای بی‌طرفی و استقلال عمل این سازمان به شمار می‌آید. روش‌های کلی استرداد را با توجه به نظام‌های مختلف حقوقی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: سیستم اداری سیاسی، سیستم قضائی و سیستم نیمه‌قضائی و نیمه‌اداری. در روش اداری سیاسی بدون هیچ‌گونه تشریفات قضائی به وسیله قوه مجریه انجام می‌شود؛ به همین جهت مزیت آن را می‌توان سرعت اجرای استرداد دانست، اما از لحاظ احترام به حقوق بشر و آزادی‌های متهم و حقوق دفاعی، روش مناسبی به نظر نمی‌رسد. بر حسب روش قضائی بررسی تقاضاهای استرداد و تشخیص وجود یا نبود شرایط لازم با مقامات قضائی است. در این روش به شخص مورد تقاضا اجازه و امکان داده می‌شود یا تدارک دلائل و مدارک لازم از خود دفاع کند و اگر شرایط استرداد وجود نداشته باشد، آن را اعلام کند، حتی متهم برای دفاع از خود می‌تواند وکیل انتخاب کرده و آزاد مشاوره با وکیل را داشته باشد. امروزه اکثر کشورهای جهان از روش نیمه‌قضائی و نیمه‌اداری در استرداد استفاده می‌کنند. سیستم مختلط با هدف حفظ و جمع مزایای هر دو سیستم و حذف معایب آن امروزه به‌عنوان یک سیستم کارآمد در اکثریت کشورها استفاده می‌شود. در فرایند پدیده استرداد هم باید اعمال اداری و ملاحظات سیاسی و هم برای تضمین آزادی‌ها و حقوق متهم، تشریفات قضائی در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد روش معمول در ایران نیز روش مختلط است؛ در این روش مقدمات و عمل بازگرداندن اداری و اجرایی است، یعنی به‌واسطه دخالت وزارت امور خارجه و پلیس است که مقدمات و استرداد انجام خواهد شد، ولی تصمیم‌گیری راجع به بررسی وجود شرایط استرداد با قوه قضائیه است و دادگاه باید رسیدگی کند که آیا شرایط استرداد وجود دارد یا نه؟

اختلافات با کانادا موجب عدم استرداد؟

یکی از مواردی که بارها و بارها از سوی سخنگوی قوه قضائیه مطرح شده است، همکاری نکردن اینترپل با ایران برای استرداد خاوری است. در این مورد هم همچنان مشکل پیشین وجود دارد. باید مراحل دادرسی خاوری طی شود تا اینترپل ملزم به ورود به پرونده شود. در ابتدا باید پرونده خاوری در دادسرای کارکنان دولت رسیدگی و پس از صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شود. اگر دادگاه به اتهامات مدیرعامل سابق بانک ملی رسیدگی و او را محکوم کرد، باید منظر داد تا این رای قطعی شود. پس از قطعی‌شدن رای دادگاه باید موضوع از طریق ایران به اینترپل اعلام شود. در نظام‌های حقوقی، مجرم تعریف خود را دارد و درحال حاضر خاوری متهم است و برای اینکه اینترپل او را دستگیر کند و تحویل ایران دهد، باید تمام مراحل قضائی طی و مجرمیت خاوری اثبات شود. اینترپل شاید الان وی را در فهرست متهمان تحت تعقیب خود قرار داده است اما به وی به‌عنوان متهم نگاه می‌کند؛ فردی که جرمش ثابت نشده است. با مجرمیت خاوری، موضوع باید به مقر پلیس بین‌الملل در فرانسه اعلام شود تا از طریق اینترپل حکم به کشور کانادا و سایر کشورها اعلام شود. اکنون پس از گذشت چند سال هنوز دادگاهی خاوری را محکوم نکرده است. آخرین بار در اردیبهشت ماه بود که سخنگوی قوه قضائیه گفت امیدی به بازگشت خاوری نداریم و او را غیابی محاکمه می‌کنیم؛ محاکمه‌ای که هنوز برگزار نشده است. از سوی دیگر قطع رابطه کانادا با ایران در پی کشته‌شدن زهرا کاظمی در زندان اوین و همچنین سrdی رابطه دو کشور درحال حاضر باعث شد آنها راه استرداد خاوری را هم مسدود کنند.

politics@sharghdaily.ir

شرق: جمعه «هفدهم مهرماه» بود که مصاحبه منصور ارضی از بخش خبری ۲۰:۳۰ صداوسیما پخش شد. مصاحبه‌ای که صداوسیما از یک روز قبل، به استقبال آن رفته و به‌دفعات آتوننس تبلیغاتی پخش کرده بود. بخشی از صحبت‌های این مداح تهرانی که مجالس آن به طور ثابت در مسجد اردک و حسینیه صنف لایس‌فروشان تهران منعقد می‌شود، در فضای مجازی به طور گسترده‌ای منتشر شد؛ با این عنوان: «امام‌حسین هم فحش می‌داد». انتشار این سخنان، سبب شد تا برخی از روحانیون و صاحبان خطابه، در محافل عزاداری به موضوع‌گیری منصور ارضی واکنش نشان داده و زبان به گلایه و اعتراض باز کنند. از جمله آنها، مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری است. او که در مراسم شام غریبان حرم امام خمینی سخن می‌گفت، از منصور ارضی خواست عذرخواهی کند.

ارضی چه گفته بود

بخش خبری «بیست‌وسعی» هفته گذشته، به سراغ منصور ارضی رفته بود تا در برنامه «بدون تعارف» یا او گفت‌وگو کند. مصاحبه‌ای قطعیت‌شده که در آن حتی بعضی از پاسخ‌های منصور ارضی به‌روشنی مشخص نمی‌شد. در این مصاحبه به‌ظاهر بی‌پرده، یکی از مجریان، از ارضی درباره برخی از سخنان او در خلال مراسم‌های عزاداری سؤال کرد: «می‌گویند انتقادات حاج‌منصور کاهی آن‌قدر شدید است که می‌توان گفت انتقاد نیست، ناسزااست»، منصور ارضی هم در پاسخ گفت: «ما سیاست را از اقامون یاد گرفتیم... ولی به جایی می‌رسد که حضرت می‌گوید یابن‌الدعیه، خب از امام حسین ایراد بگیرید چرا از من ایراد می‌گیرید؟ یک وقت من یک چیزایی هم می‌گویم، تازه چیزی هم ما نمی‌گویم، چرا آنها هرچی دلشان می‌خواهد می‌گویند، می‌گویند به ما نباید چیزی بگویید». سخنان منصور ارضی بلافاصله در فضای مجازی با این عنوان که «امام حسین هم فحش می‌داد» منتشر و با واکنش‌های متعددی روبرو شد.

واکنش انصاری

مجید انصاری در مراسم شام غریبان حرم امام خمینی، در بخشی از سخنان خود، به سخنان ارضی اشاره کرد و با تأکید بر اینکه چرا به خاطر عمل اشتباه خود از مردم عذرخواهی نمی‌کنید، گفت: «این تهمت و گناهی بسیار بزرگ است که بگوییم امام حسین (ع) نیز فحش می‌دادند، چراکه خودی متعال به مسلمانان می‌فرماند نه‌تنها به مسلمانان و مؤمنان بلکه به کافران و مشرکان نیز نباید فحش دهید». به گزارش ایسنا، او ادامه داد: «پیامبر اعظم نیز می‌فرماید اگر کسی مؤمنی را فحش و دشنام دهد، دچار فسق شده و عدالتی خارج شده است. ایشان همچنین می‌فرمایند که نه‌تنها به مردم فحش ندهید بلکه به باد و کوه و ساعت و لحظه نیز فحش ندهید». انصاری با بیان اینکه «هیچ چیزی شیطان را به اندازه سکوت در برابر فحش خشکمن نمی‌کند»، گفت: «نسبت‌دادن فحاشی به امام معصوم، گناهی کبیره است و آثاری فقهی و حقوقی به همراه دارد».

توضیح درباره لفظ ابن‌الدعی

معاون حقوقی رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه جمله امام حسین (ع) را نادرست متوجه شده‌اند، افزود: «برخی فکر کرده‌اند که امام حسین (ع) به ابن‌زیاد فحش داده است. این در حالی است که «ابن‌ابییه» کتیه زیاد بود؛ چون همه مردم می‌دانستند که زیاد از یک زن هرزه که صاحب همسری نبوده، به دنیا آمده و بسیاری ادعای پدری او را داشتند، «ابن‌ابییه» به معنای پسر پدرش به عنوان کتیه زیاد خطاب قرار می‌گرفت و به هیچ عنوان فحاشی محسوب نمی‌شد. در آن زمان ابوسفیان نامید، مؤمنان، شیعیان و امام حسین (ع) و همچنین در رجزخوانی‌های علی‌اکبر و علی‌اصغر با قائل‌شدن احترام برای «زیاد» او را دعی ابن‌الدعی صدا می‌کردند. آنها لفظی محترمانه‌تر برای زیاد استفاده کردند. حال این مرتبه کجا و آنکه فردی رفقای سیاسی، نیروهای انقلابی و شخصیت‌های اصلی نظام را به باد فحش و ناسزا بگیرد و در مقام انتقاد از او بگوید که امام حسین (ع) نیز فحش می‌داده است». او تأکید کرد: «اینها» از جمله بداخلاقی‌هایی است که باید از جامعه حذف شود».

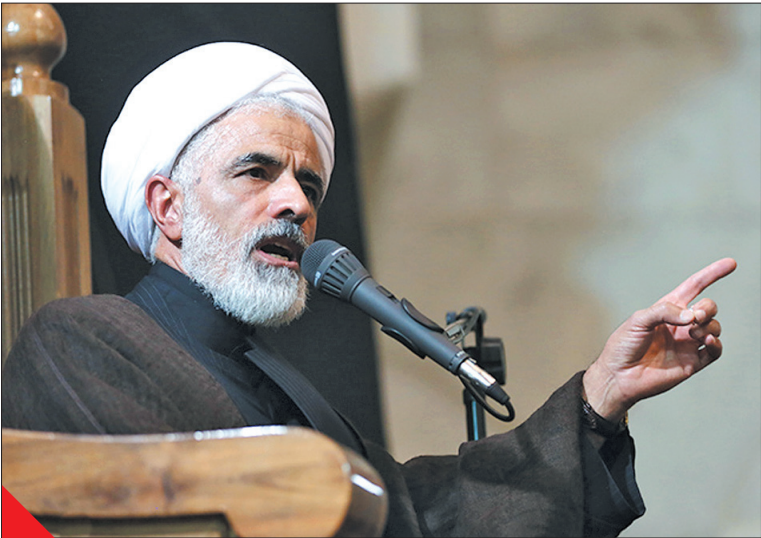
ترجمان یک لفظ

آنچه منصور ارضی به آن اشاره می‌کند، بخشی از سخنان امام حسین در واقعه عاشورا است. امام حسین در بخشی از سخنان خود خطاب به لشکریان دشمن درباره علت جنگ توضیح داده و برای معرفی شخصیت عبدالله بن زیاد از این کلمه استفاده کرده است: «... وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ». در برخی ترجمه‌ها ابن‌الدعی، ناپاک‌زاده ترجمه شده است: «هم‌اکنون این فرد ناپاک‌زاده [عبدالله] پسر ناپاک‌زاده [زیاد]، انتخاب دو چیز یافتناری می‌کند: با عقیده و ایمان یا پذیرش خوراری و مذلت؛ درحالی‌که هرگونه پستی از ما به دور است. خداوند و پیامبر و مؤمنان و نیز پاک‌دامنان و افراد باغیرت و شخصیت‌های سربلند نمی‌پسندند که طاعت فرومایگان را بر قتلگاه بزرگواران ترجیح دهیم».

سیاست

مجید انصاری در واکنش به مصاحبه منصور ارضی:

چرا از مردم عذرخواهی نمی‌کنید



عکس از: اینترنل‌های مجید انصاری

سایت «پارس‌نیوز» که نزدیک به جمعیت ایثارگران است، در روزهای نخست بعد از پخش مصاحبه ارضی از صداوسیما، در مطلبی به توضیح «الدعی» پرداخته است. در مطلب این سایت آمده است: «اولا باید دانست «دعی» از نظر لغت به چه معناست؟ بعضی آن را به‌معنای فرزند نامشروع یک زن هرزه که صاحب همسری نبوده، به دنیا آمده و بسیاری ادعای پدری او را داشتند، «ابن‌ابییه» به معنای پسر پدرش به عنوان کتیه زیاد خطاب قرار می‌گرفت و به هیچ عنوان فحاشی محسوب نمی‌شد. در آن زمان ابوسفیان نامید، مؤمنان، شیعیان و امام حسین (ع) و همچنین در رجزخوانی‌های علی‌اکبر و علی‌اصغر با قائل‌شدن احترام برای «زیاد» او را دعی ابن‌الدعی صدا می‌کردند. آنها لفظی محترمانه‌تر برای زیاد استفاده کردند. حال این مرتبه کجا و آنکه فردی رفقای سیاسی، نیروهای انقلابی و شخصیت‌های اصلی نظام را به باد فحش و ناسزا بگیرد و در مقام انتقاد از او بگوید که امام حسین (ع) نیز فحش می‌داده است». او تأکید کرد: «اینها» از جمله بداخلاقی‌هایی است که باید از جامعه حذف شود».

شاید شدیدترین واکنش به سخنان منصور ارضی را حجت‌الاسلام قائم‌مقامی، رئیس انستیتو اروپایی الهیات صلح و از استادان حوزه علمیه داشت. سخنانی که البته با جوابیه‌ای منسوب به کانال تلگرامی منصور ارضی هم مواجه شد. قائم‌مقامی در شب هشتم عزاداری محرم به مصاحبه ارضی اشاره کرده و گفته بود: «... این بنده خدا فردی متدین و سرشناس و خالص است و خیلی از حرف‌هایی که به وی نسبت می‌دهند به او نمی‌چسبد اما به مفهوم واقعی کلمه، می‌رسد است... باید همه انالله و انالیله راجعون بگویند. این سخن در ایام ماتم و سوگواری اباعبدالله بیان شد، آیا مراجع و مدعیان دینداری این فیلم را ندیدند؟ چرا هیچ واکنشی از خود نشان ندادند؟ ... ایا اباعبدالله ناسزا می گفت و فحش می‌داد و حر فرمانده لشکر

یزید ناسزا نمی‌گفت؟ این تناقض ظهور قابل‌توجهی است؟... وقتی یک عمر معیارها شناخته نشود، این چنین به ساحت معصوم توهین می‌شود...». بعد از آن، متنی در فضای مجازی به نقل از کانال منصور ارضی منتشر شد که پاسخی به سخنان قائم‌مقامی بود، با امضای سیدحسین آقامیری: «حجت‌الاسلام سیدعباس قائم‌مقامی با اشاره به مصاحبه یکی از خادمان و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر اینکه ایشان را با تأکید به بی‌سوادی متهم کرد، برخلاف واقع عبارتی را که اصلا در متن مصاحبه نبود به ایشان نسبت داد... ولی در هر حال اینکه به‌راحتی مؤمنی را به بی‌سوادی متهم کرده و خلاف واقع به تنسی نسبت داده شود، در شان جامعه اسلامی و ایمانی و منتسبین به کسوت علم و تقوی نیست. بر این اساس ضمن تأکید بر حرمت مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و توجه به اصل همراهی و بیسان مبتنی بر صداقت و تحقیق در شان جایگاه ایمانی و علمی وجود دارد چراکه در هر حال ادبیات و مبنای هر اظهار نظری مورد قضاوت افکار عمومی قرار خواهد گرفت...».

کجا سیدالشهدا(ع) فحش داده

که تو از او یاد گرفتی؟

واکنش‌ها اما به اینجا ختم نشد. حجت‌الاسلام محمدتقی خلجی از استادان حوزه علمیه قم، در آخرین شب از عزاداری حسینیه دارالزها (س) در بخشی از سخنان خود گفت: «کجا سیدالشهدا(ع) فحش داده که تو از او یاد گرفتی؟ علی بن ابیطالب(ع) در برابر معاویه وقتی لشکربانش شروع به فحش‌دادن کردند، فرمود دوست من! دارم شما فحش دهید. علی (ع) که معاویه نیست».

باز ندبان خلاف نمی‌شود

به پشت‌بام حقیقت رسید

همچنین محمدرضا بهشتی در مراسم شب تاسوعا در مدرسه رشد چیز هم بدون آنکه اشاره مستقیمی به مصاحبه ارضی داشته باشد، در مذمت ناسزاگفتن در مجالس عزای حسین سخن گفت. او با بیان اینکه تحریف دین، جامعه را به سوی کج خلقی، بداخلاقی و انحراف می‌برد، گفت: «گاهی در مجالس عزای از زبان‌ها ناسزا بیرون می‌آید درحالی‌که تمام مسیر حرکت امام حسین در کرلا آوردگاه اخلاق است» بهشتی گفت: «با نردبان خلاف نمی‌شود به پشت‌بام حقیقت رسید، چگونه می‌شود که هدف برای ما وسیله را توجیه می‌کند. می‌خواهیم به هدفی برسیم اما از وسیله‌ای استفاده می‌کنیم که این هدف درست نقض آن است». او ادامه داد: «دوسوم گناهان کبیره مربوط به زبان است، مثلا زبانی که به ناسزا، طعن، لعن، سرزنش، ملامت، غیبت، حسد و کینه باز شود، زبان دینداری است؟ از وقت عزادار حسین این علی زبانش به بهتان باز می‌شود». با وجود واکنش‌هایی که سخنان ارضی به همراه داشته است، اما تاکنون به غیر از جوابیه تلگرامی منسوبان ارضی که به‌نوعی توجیه مصاحبه او به شمار می‌رود، از جانب خودش مطلبی ارائه نشده است.

با موضوعات مهندسی کی امپراتوری، آب که بخش عمده آن مربوط به قات است، باد که به بادگیرها و آسیاب‌های بادی می‌پردازد، خاک و طراحی دو شهر «اردشیر خوره» و «اصفهان» عصر صفوی آتش، دانش و دانشگاه که ایران که با دانشگاه جندی‌شاپور آغاز می‌شود و به مدرسه دارالفنون می‌رسد. مقامات کشورمان کتاب‌های بسیاری نیز هدیه گرفته‌اند؛ به‌عنوان‌مثال «هرالدو مونویس»، وزیر خارجه شیلی، در دومین دور از رایزنی‌های خود با ظریف، کتابی از فعالیت‌های صلح‌آمیز کشورش در صد سال گذشته را به او هدیه داده بود. علاقه دیپلمات‌ها در همه‌جای دنیا به کتاب هدیه‌دادن باعث می‌شود که وقتی یکی از طرفین کشوری اسلامی باشد، یک نسخه قدیمی از قرآن را مناسب‌ترین هدیه بیایند. تازه‌ترین نمونه آن هدایای نایابی بود که «نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، به مقامات ایرانی اهدا کرد. او یک نسخه قرآن کریم منسوب به حضرت امام علی (ع) به مقام معظم رهبری و دیوان فارسی «میرزا غالب»، شاعر بزرگ شبه‌قاره هند، را به رئیس‌جمهور کشورمان هدیه کرد. فراموش نکنیم که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، نیز برای مقام معظم رهبری یک نسخه از یک قرآن قدیمی آورده بود. ناگفته‌نماند که پوتین برای هدیه‌دادن به روحانی – در جریان سفر روحانی به روسیه برای شرکت در نشست رهبران کشورهای ساحلی دریای خزر – سبری متعلق به سرایاران شاه عباس اول را انتخاب کرد؛ سبری که پرویز اسماعیلی، از اعضای دفتر روحانی، درباره آن نوشته بود: «این سپر از جنس برنز و طلا و مربوط به جنگی بوده که در آن دوره (۱۶۰۳ تا ۱۶۱۸ میلادی) میان ایران و امپراتوری عثمانی رخ داده است». رئیس‌جمهور روسیه دستور داد کارکنان کاخ کرملین استراخان قابی را برای هدیه به رئیس‌جمهور ایران بیاورند. سنگین و بااهت بود. کمی هم ضربه خورده بود». او همچنین نوشته بود: «آقای پوتین آخرین جمله‌ای که با خنده [به آقای روحانی] گفت، این بود که ظاهرا این سیر به دست حریف افتاده، اما ایران برنده آن نبرد بود».

هدایای حریف

مشاهده شده که گاهی وقت‌ها در دیدارهای دیپلماتیک به‌جای کتاب و صنایع دستی، آلبوم عکس و نقشه قدیمی و اتوبوس و... هدیه داده شده است؛ به‌عنوان‌مثال روحانی در دیدار با همتای اتریشی خود در کاخ سعدآباد، به او آلبوم عکسی هدیه داد که عکس‌های دیدارهای دو‌جانبه همان روز در آن دیده می‌شد. رئیس‌جمهوری کشورمان در دیدارها و سفرهای خود با بازگایان و فعالان اقتصادی ایران و ترکمنستان به همتای خود یک دستگاه اتوبوس VIP تولید شرکت عقاب‌افشان اهدا کرد. «ویکتور اوربان» نخست‌وزیر مجارستان، نیز در سفر به ایران یک هدیه ویژه به روحانی داد؛ هدیه‌ای که پرویز اسماعیلی درباره آن در صفحه اینستاگرامش نوشت: «او نقشه‌ای از ایران که متعلق به سال ۱۸۴۰ میلادی (حدود ۱۷۵ سال پیش) و از مجموعه نقشه‌ها و اسناد ملی آن کشور محسوب می‌شده را به دکتر حسن روحانی هدیه داد».

خبر

حجت‌الاسلام احمد خاتمی:

ورزشگاه عزاخانه امام حسین(ع) شد

● **خبرآنلاین:** حجت‌الاسلام سیداحمد خاتمی با اشاره به نگرانی‌ها بابت برگزاری مسابقه فوتبال ایران و کره‌جنوبی در شب عاشورا گفت: محبت امام حسین کار خودش را کرد و نه‌تنها هیچ حرمت‌شکنی انجام نشد، بلکه ورزشگاه عزاخانه امام حسین(ع) شد، البته این را هم باید بگویم که ما انتظار داریم مسئولان از چند سال پیش تدبیر کنند که تا این تقارن‌ها پیش نیاید.

سفیر جدید مراکش

بعد از ۸ سال در راه تهران

● **ایسنا:** «حسن حامی»، به‌عنوان سفیر جدید مراکش در ایران، به‌زودی عازم تهران می‌شود. پادشاهی مراکش در اواخر اسفند ۱۳۸۷ به طور ناگهانی، با طرح انتقاداتی درباره رویکرد تهران در قبال این کشور، روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع و «الطیب الفاسی الفهری»، وزیر امور خارجه وقت مراکش، در اطلاعیه کوتاهی اعلام کرد: «پادشاهی مراکش تصمیم گرفته روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی ایران را قطع کند». مقامات مراکشی در آن مقطع، کارکنان سفارت ایران در رباط را به تبلیغ تشیع متهم کرده بودند. ایرانی‌ها نیز درمقابل این اتهامات را رد کرده بودند. علاوه‌براین، احضار سفیر مراکش در تهران به وزارت خارجه ایران در اعتراض به بیانیه وزارت خارجه مراکش در حمایت از موضع بحرین در رباط را به برابر ایران نیز از دیگر عوامل ناراضیتی مراکشی‌ها عنوان شد. وزارت خارجه مراکش در آن زمان دلیل این قطع رابطه را «موضع غیرقابل‌قبول از طرف ایران علیه مراکش و دخالت در امور دینی داخلی مراکش» توصیف کرده بود. مراکش همچنین در آن زمان ایران را متهم کرد که برای تغییر در مبانی اساسی هویت مراکش و تضعیف مذهب سنی مالکی این کشور تلاش می‌کند. دولت ایران اما همواره این اتهامات را تکذیب کرده بود. بعد از روی کارآمدن دولت تدبیر و امید، حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی و آفریقای وقت وزیر امور خارجه، از توافق میان ایران و کشور پادشاهی مراکش با هدف ضرورت بازگشت روابط دیپلماتیک میان دو کشور خبر داد و گفت: «سفارتخانه‌های دو کشور به‌زودی بازگشایی خواهند شد». روابط دیپلماتیک ایران و مراکش پس از شش سال قطع رابطه در اواخر سال ۱۳۹۳، دوباره برقرار شد و «محمدتقی موید»، سفیر جدید ایران در مراکش، با وزیر خارجه این کشور در شهر رباط، پایتخت مراکش، دیدار و نسخه‌ای از استوارنامه خود را تقدیم وی کرد. «صلاح‌الدین مزوار»، وزیر خارجه مراکش، نیز در نوامبر ۲۰۱۵ از عزم کشورش برای معرفی سفیر در تهران در نزدیک‌ترین زمان خبر داده بود. کشور مراکش که در کشورهای عربی، «مغرب» نیز نامیده می‌شود، در شمال‌غربی آفریقا و در ساحل دریای مدیترانه قرار دارد. این کشور با ۱۳ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۹۵۶ میلادی (۱۳۳۵ هجری‌شمسی) به‌عنوان یک کشور مستقل شناخته شده و پس از مرگ ملک محمد، نخستین پادشاه این کشور، در سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۹۹ به مدت ۳۸ سال تحت پادشاهی ملک حسن دوم قرار داشت. با مرگ ملک حسن و تا امروز این کشور با پادشاهی ملک محمد ششم اداره می‌شود. گفتنی است سفیر جدید مراکش در تهران پیش از این، سفیر کشورش در آذربایجان بوده است.

ادامه از صفحه ۷

در خواب هم نمی‌دیدم

این همه حقوق بگیرم

● ما در بهداشت و درمان وقتی وزیر بودیم یا رئیس دانشگاه بودیم، می‌خواستیم اعمال قدرت کنیم تا سیستم را اصلاح کنیم و از افراد می‌خواستیم طبق چارچوب عمل کنند؛ اهمیت به حرف ما نمی‌داد و تأمین اجتماعی دو برابر پول می‌داد و به آنجا می‌رفت و به ریش ما می‌خندید. تأمین اجتماعی قبول نمی‌کرد و با سپاه قرارداد می‌بست، با سپاه قرارداد نمی‌بست، با نفت قرارداد می‌بست، با نفت قرارداد نمی‌بست ... سیستم باید دست یک نفر باشد و ریل مشخص شود که اگر من تخلف کردم، در هیچ جای دیگر نتوانم کاری کنم.

● انقلاب فرهنگی کشور از دانشکده پزشکی ما شروع شد. ما دانشگاه را بستیم و بعد دانشگاه‌های دیگر را بستند. آقای رفسنجانی آمدند سخنرانی کنند و اجازه ندادند و سخنرانی را برهم ریختند و ما هم دانشگاه را برهم ریختیم. دانشگاه را بستیم و تقسیم در مملکتی که حکومت آن اسلامی است به چه دلیل یک نماینده این نظام نتواند در دانشگاه حرف بزند.

● این ساختاری که از نظر فرهنگی درست شده است باید بررسی شود. مسئولان فرهنگی و روحانیت باید به این مسئله فکر کنند. با بگیر و ببند و امر و نهی درست نمی‌شود.